



سرقت دستبند فراعنه و طلای پاریس
تداعی گر ماجرای تلخ لوح زرین هخامنشی

ویرین‌های نامن حافظان خائن

با حدود ۱۰ ماه تأخیر قانونی
دستور صادر شد
تشکیل سازمان جدید
برای انرژی

بررسی «پیام ما» نشان می‌دهد امتیازدهی ویژه به گروه‌های جهادی، باعث تضعیف سازمان‌های مردم‌نهاد می‌شود

سرمایه اجتماعی روی مین رانت



شهریه‌های میلیونی
کودکان حاشیه پایتخت
را از کلاس به خیابان می‌کشاند

کودکان حاشیه گروگان شهریه

هفت‌خوان هزینه‌های تحصیل

ستاره کاتالیسی

خبر

معاون سازمان شهرداری‌های کشور اعلام کرد

بحران آب و خشکسالی مهم‌ترین تهدید برای استان‌ها

آیین رونمایی امروز ۱۰ عنوان کتاب رونمایی می‌شود. مجایی با بیان اینکه این کتاب‌ها شامل شش جلد کتاب با موضوع شهری و چهار جلد کتاب با موضوع روستایی است، بر نقش این آثار در ارتقای دانش مدیران شهری و روستایی و بهبود مدیریت منابع در استان‌ها تأکید کرد.

کاهش شدت بحران شد. سرپرست مرکز مطالعات راهبردی شهری و روستایی در ادامه دربارۀ مرکز مطالعات راهبردی شهری و روستایی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور گفت: این مرکز با قدمتی که دارد پیش از تشکیل سازمان و به‌عنوان زیرمجموعه معاون عمرانی وزارت کشور تشکیل شده و در چهار حوزه مسله‌یابی، فرهنگی-اجتماعی، برگزاری جشنواره و مسائل پژوهش فعالیت دارد. او با بیان اینکه مرکز مطالعات امسال هم با برگزاری کلاس‌های آموزشی حقیقی و مجازی مباحث آموزشی را دنبال کرده است، اعلام کرد: در بخش انتشارات ۱۵ عنوان کتاب آماده رونمایی است که در

بحرانی منابع آبی کشور هشدار داد: تقریباً در تمام استان‌های کشور تنش آبی وجود دارد و روند فعلی نشان می‌دهد این تنش رو به وخامت است. او افزود: از میان بحران‌های مختلفی که کشور با آن مواجه است، بحران آب و خشکسالی مهم‌ترین و نخستین تهدید به‌شمار می‌رود. خشکیدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها، کاهش منابع آبی تجدیدپذیر و فرونشست زمین که در برخی دشت‌ها به ۲۵ سانتی‌متر رسیده، زنگ خطری جدی و نیازمند اقدام فوری است. مجایی با اشاره به مصرف ۸۵ درصد آب کشور در بخش کشاورزی، خواستار همکاری معاونان عمرانی استانداری‌ها با سایر دستگاه‌های مسئول و شورای عالی آب برای

معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور با ارائه آمار دقیق از وضعیت منابع آبی کشور، بحران آب و خشکسالی را مهم‌ترین تهدید پیش روی استان‌ها دانست و از معاونان عمرانی استانداری‌ها خواست برای جلوگیری از تشدید این بحران، اقدامات عملی و همکاری جدی با شورای عالی آب و دستگاه‌های مرتبط را در دستورکار قرار دهند. در دومین نشست معاونان هماهنگی امور عمرانی استانداری‌های کشور، «سیدمحمد مجایی»، معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و سرپرست مرکز مطالعات راهبردی شهری و روستایی، با تأکید بر وضعیت

نوبت اول



(آگهی مناقصه عمومی)

شهرداری رفسنجان در نظر دارد بر اساس بودجه مصوب شماره ۱۶۶۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۶ شورای محترم اسلامی شهر، نسبت به پروژه پیاده‌روسازی بلوار کوثر، خیابان‌های نضت، علی اصغر و غیره در سطح شهر از طریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید. لذا از کلیه شرکت‌های واجد صلاحیت که توانایی لازم جهت شرکت در مناقصه را دارند، دعوت بعمل می‌آید نسبت به دریافت اسناد و اطلاع از شرایط شرکت در مناقصه به سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) مراجعه نمایند.

مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۰
آخرین مهلت ارائه پیشنهادات از طریق سامانه مذکور تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۲
(لازم به ذکر است شهرداری رفسنجان در رد یا قبول تمام یا هر یک از پیشنهادات مختار است.)
مهلت تحویل ضمانتنامه بانکی شرکت در مناقصه ۲ روز قبل از بازگشایی پاکات
جهت کسب اطلاعات بیشتر با امور قراردادهای شهرداری رفسنجان به شماره ۰۳۴-۳۴۲۵۸۸۰۱ تماس حاصل فرمایید

اداره ارتباطات و امور بین الملل شهرداری رفسنجان

اطلاع‌رسانی

قردانی فرمانده سپاه رفسنجان از تلاش‌های مجتمع مس سرچشمه در جنگ ۱۲ روزه



فرمانده سپاه شهرستان رفسنجان، مهندس «علی فاضلی» معاون بهره‌برداری، مهندس «حمید نادری‌نسب» معاون مهندسی مجتمع و جمعی از مدیران و مجریان مجتمع مس سرچشمه در سالن اجتماعات معاونت بهره‌برداری برگزار شد. سرهنگ محمد محمد پساوند فرمانده سپاه رفسنجان در این جلسه ضمن قدردانی از مدیر مجتمع، اظهار داشت: کارگران و مهندسان مجتمع مس سرچشمه رفسنجان، قهرمانان جبهه اقتصادی کشور هستند. وی افزود: ما به وجود شما افسران جنگ



فرمانده سپاه شهرستان رفسنجان با اشاره به جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران، از تلاش‌ها و مدیریت مجتمع مس سرچشمه رفسنجان در این دوران قدردانی کرد. به گزارش روابط عمومی مجتمع مس سرچشمه رفسنجان، نشست تولید این مجتمع روز سه‌شنبه ۲۵ شهریورماه با حضور مهندس «محمدرضا خلعتبری» مشاور مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران در امور منطقه کرمان، مهندس «اصغر صالحی» مدیر مجتمع مس سرچشمه رفسنجان، سرهنگ «محمد پساوند»

با صلوات بر محمد و آل محمد «چش تولید با مشارکت مردم» ایران پایدار به وسعت ایمان به بلندای امید



آگهی مناقصه عمومی همراه با ارزیابی کیفی (یکپارچه)

کافرما و مناقصه‌گر: شرکت معادن زغالسنگ کرمان
موضوع فراخوان ها: حمل زغالسنگ خام از معادن ۱-سرابرده-۲-باب نیزو-۳-دره گر-۴-اسداباد-۵-هجدک و اشکلی-۶-دهرود-۷-پایدا-۸-هشونی به کارخانه زغالشونی زرن
شماره فراخوان ها و تاریخ انتشار آگهی مناقصه در سامانه ستاد: ۲۰۰۴۰۹۵۵۱۱۰۰۰۵۹ الی ۲۰۰۴۰۹۵۵۱۱۰۰۰۵۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۷

مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه از سامانه: از مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۷ لغایت ۱۴۰۴/۰۷/۰۵
آخرین مهلت ارسال و بازگذاری اطلاعات مورد نیاز جهت ارزیابی کیفی و ارائه پیشنهادات به صورت pdf در سامانه: تا ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۰

زمان بازگشایی پاکت ها: ارزیابی کیفی مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۱ و بازگشایی پاکات مناقصه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۳
مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: تضمین معتبر به ترتیب هر یک از معادن فوق ردیف ۱ به مبلغ ۸۴۰,۳۷۵,۰۰۰ ریال - ردیف ۲ به مبلغ ۱,۱۹۸,۰۳۸,۶۰۰ ریال - ردیف ۳ به مبلغ ۲,۱۵۲,۲۰۵,۰۰۰ ریال - ردیف ۴ به مبلغ ۱,۸۲۸,۶۵۶,۰۰۰ ریال - ردیف ۵ به مبلغ ۲,۵۰۴,۳۱۷,۵۰۰ ریال - ردیف ۶ به مبلغ ۴,۲۰۱,۸۷۵,۰۰۰ ریال - ردیف ۷ به مبلغ ۹,۱۹۰,۳۳۸,۰۰۰ ریال و ردیف ۸ به مبلغ ۶,۹۴۱,۴۹۷,۵۰۰ ریال.

(نوع تضمین: یک یا ترکیبی از انواع تضمین زیر:

ضمانتنامه بانکی- فیش بانکی (وجه نقد) - اوراق مشارکت و با وثیقه ملکی.
آدرس و زمان تحویل اصل تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: اصل تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار علاوه بر بازگذاری در سامانه می بایستی به صورت فیزیکی و در پاکت درسته و مهور، حداکثر تا قبل از ساعت بازگشایی پاکت به دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت تحویل و رسید دریافت شود.

تلفن تماس مناقصه‌گر: ۰۳۴۳۱۱۷۷۲۶

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

شرکت معادن زغالسنگ کرمان

شهریه‌های میلیونی، کودکان حاشیه پایتخت را از کلاس به خیابان می‌کشاند

کودکان حاشیه، گروگان شهریه

سختگوی آموزش‌وپرورش؛ دریافت شهریه در مدارس دولتی غیرقانونی است، خانواده‌ها شکایت کنند



افروغ فکری | روزنامه‌نگار

«لیلا» دستان و چشمانش را می‌زدد، اما لبخندش را نه. سرش را بالا می‌گیرد و با جسارت می‌گوید: «ما پول ثبت‌نام در مدرسه نداریم، اما من می‌خوام درس بخونم.» او مانند بسیاری دیگر از دختران و پسرانی است که در سال‌های اخیر به‌خاطر اجبار در پرداخت شهریه مدارس دولتی، آن‌هم در منطقه هرندی تهران، با مشکل ثبت‌نام مواجه شده؛ اما امسال مشکل دوچندان است. یک مدرسه دولتی دخترانه در مقطع متوسطه در منطقه ۱۲ به‌دلیل اخراج اتباع و کم‌شدن تعداد دانش‌آموزان تعطیل شده و دانش‌آموزان ایرانی برای تحصیل باید به منطقه دیگری بروند؛ جایی که «کوچه‌های ترسناکی» دارد و رفت‌وآمد در آن حتی برای مادر لیلا و سایر بزرگسالان دشوار است. اگر هم به آنجا برسند با شهریه ۱۰ میلیون تومانی چه‌کنند؟ سختگوی آموزش‌وپرورش به «پیام ما» می‌گوید این کار تخلف است و مدارس دولتی نباید شهریه دریافت کنند. «اما برخورد مدیران مدارس با این دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان تلخ است. مددکار مؤسسه توانمندسازی «ندای ماندگار» که به آموزش‌وپرورش منطقه و بهزیستی رفته و نامه‌نگاری‌های بسیاری انجام داده هم از برخوردها گلایه دارد. این در حالی است که امسال بیش از ۲۰ دانش‌آموز ایرانی و ۳۰ دانش‌آموز اتباع به مؤسسه ندای ماندگار مراجعه کرده‌اند که همگی در پرداخت شهریه مدرسه مشکل دارند. وضعیت سایر مؤسسات حمایتی هم به همین شکل است و حالا نگرانی از ترک تحصیل بچه‌ها در این مناطق بیش از گذشته قوت گرفته است.

«مریم» از صبح با مادرش در مدارس منطقه چرخیده. کلاس نهم است و بعد از تعطیلی مدرسه مکتب اسلام در منطقه ۱۲ برای سال آخر متوسطه اول، نمی‌داند باید چه کند. مدرسه‌های دیگر بسیار دوترا از خانه‌شان است و او مانند بسیاری دیگر از دختران منطقه حالا سرگردان‌اند. اگرچه رفت‌وآمد مشکل دوم آنهاست. مشکل نخست شهریه ۱۰ میلیون تومانی است که مدرسه دولتی جدید در آنها خواسته. مادر مریم، نگاه آرام و چشمان کهرم‌قوی دارد و خستگی با همه قوایش بر او تاخته. او که روزهای گذشته بارها به مدارس اطراف رفته و دست‌خالی برگشته، دیگر نایی ندارد. «خسته شدیم. مریم درس‌خونه. حیفه به خدا. به ما می‌گن پنج میلیون تومن رو نقد بید، پنج میلیون رو قسط‌بندی کنه. می‌گن تا پنج میلیون نقد رو نیارید اسمش رو نمی‌نویسیم.» همسر او دست‌فروش متروست و آنها یک دختر پیش‌دانشگاهی و یک پسر ۱۰ساله هم دارند. «برای ثبت‌نام مدرسه پسرم هم پول خواستن، اما سختگیری کمتر بود. ولی اونجا هم باید پول ببریم. از کجا بگیریم؟ مگه نمی‌گفتن تحصیل در مدرسه دولتی رایگانه؟» او بارها به مدارس مختلف رفته و برخورد‌های از بالا به پایین مدیران عذاب‌دهنده دارد.

«لیلا» هم مانند مریم است، آنها دو سال گذشته در مدرسه متوسطه‌ای بودند که دیگر نیست و دوستانی داشتند که در ماه‌های اخیر به‌اجبار به افغانستان برگشته‌اند. خداحافظی با آنها برای بچه‌ها سخت بود و لیلا دیگر هیچ خبری از دوستانش ندارد. «پنج نفر از هم‌کلاسی‌های ما به افغانستان برگشتن. خیلی گریه کردیم. اصلاً باورمون نمی‌شد.» بعد از اخراج گسترده اتباع، صحبت‌هایی از کاهش جمعیت در مناطقی چون منطقه ۱۲ به میان آمد، از اینکه با رفتن مهاجران قیمت خانه‌ها کمتر می‌شود؛ اما ساکنانش حالا می‌گویند نفعها وضعیت بهتر نشده بلکه در برخی موارد مانند تعطیلی مدرسه وضعیت بدتر هم شده است. «ما از رفتن بچه‌ها ناراحت شدیم. هم اونا رفتن، هم مدرسه ما تعطیل شد. غصه‌مون چند برابر شد. هیچ‌چی بهتر نشد. هیچ‌چی.»

آگهی محدود اختصاصی

نظر به اینکه تحدید حدود شش دانگ یک باب خانه به مساحت ۸۰. ۸۳۳ مترمربع به شماره ۶۱۷ فرعی مفروز و مجزا شده از ۲۵ اصلی واقع در روستای کرگان بخش ۳ اردبیل تحت مالکیت امید علمداری فر فرزند محمود به شماره رای ۳۳۱۸ به تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۲ به شماره تحدید حدود پلاک مرقوم روز شنبه ۱۹/۰۷/۱۴۰۴ راس ساعت ۱۰ صبح در محل شروع و به عمل خواهد آمد. بدین وسیله به مالکین و مجاورین



خطاری می‌شود در موعد مقرر در محل حاضر تا طبق مقررات نسبت به تحدید حدود پلاک مزبور نظارت فرمایند و اعتراض به حقوق ارتقافی و حدود آن مطابق ماده ۱۰۰ آیین نامه الحاق مولدی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن از تاریخ تحدید حدود به مدت ۲۰ روز خواهد شد.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۱۹
م الف: ۱۴۰۴/۰۶/۱۹
رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه یک شهرستان اردبیل احمدیان

برای ثبت‌نام در سپید هزینه خانوار گذاشته می‌شود، این خانواده که توان خرید ملاد و پاک‌کن و دفتر را ندارد، در نتیجه بچه را از فرستادن به مدرسه منع می‌کند و به‌راحتی کودکان از مدرسه به خیابان کشیده و بدل به کودک کار می‌شوند.»

او به تعطیلی مدارس خصوصاً تعطیلی مدرسه‌ای در منطقه ۱۲ اشاره می‌کند و آن را هم برخلاف توسعه عدالت آموزشی می‌داند. «با اخراج اتباع – که ما مخالف آن بودیم- وضعیت برای دانش‌آموزان ایرانی سخت‌تر شد. محله کم‌جمعیت شد و به‌جای آنکه کاهش تراکم کلاس‌ها را مدنظر قرار دهند، مدرسه دولتی را تعطیل کردند. چرا سرانه دانش‌آموزی را بالا نمی‌برند؟ چرا مدام شعار می‌دهند؟ چرا در منطقه پراسیبی چون دروازه‌غار مدرسه تعطیل می‌شود؟» انجمن آنها و سایر انجمن‌های محله در سال‌های اخیر با این مشکل روبه‌رو بوده‌اند و وضعیت حالا حادث‌تر از قبل شده. او می‌گوید آموزش‌وپرورش فضای بسته‌ای برای خود ایجاد کرده و ارتباطی با فعالان و تشکل‌ها نمی‌گیرد و همین شکاف، کار را برای آنها سخت‌تر کرده است. «برخورد مدیران اصلاً همدلانه نیست، به مددکار ما می‌گویند اگر می‌خواهید بچه‌ای درس بخواند خودتان پول تحصیلش را بدهید. این جمله یعنی چه؟ براساس چه سیاستی؟ ما با این آمار وحشتناک از ترک تحصیل و به‌تبع آن کار کودک و آسیب‌های اجتماعی دیگری را تجربه خواهیم کرد؛ چیزی که سال‌ها برای مدیریت و کنترل آن تلاش کردیم، حالا به‌راحتی و با اعمال سیاست غلط از دست می‌رود.»

ک به شکایت‌ها رسیدگی می‌کنیم

«علی‌فرهادی»، سختگوی آموزش‌وپرورش، اما به «پیام ما» می‌گوید بجز مدارس استعداد‌های درخشان که به‌صورت قانونی می‌توانند شهریه دریافت کنند، سایر مدارس دولتی حق دریافت شهریه اجباری ندارند. «شهریه مدارس دولتی تنها در صورتی است که قانونی باشد، مثلاً مدارس استعداد درخشان دولتی است، اما مطابق قانون شهریه دریافت می‌کنند. براساس اطلاعاتی که از خانوار توسط وزارت رفاه داریم، دهک‌های پایین اگر در این مدارس قبول شوند، هزینه را خود وزارتخانه پرداخت می‌کند.» به‌گفته‌او، به‌جز مدرسه‌ای که قانوناً مجاز هستند شهریه بگیرند، یعنی مدارس تیزهوشان و هیئت‌امانبی، مطلق دولتی مطلقاً شهریه اجباری ندارند. «فقط شهریه اختیاری داریم که انجمن اولیا و مربیان تصمیم می‌گیرند که به‌صورت اختیاری از کمک و مشارکت خانواده‌ها استفاده کنند.»

او تأکید می‌کند: «خودش و هم مدیرکل بازرسی و ارزیابی عملکرد که دبیر ستاد ثبت‌نام است و همه مدیران آموزش‌وپرورش، به مدیران مدارس تأکید کرده‌اند که خانواده‌ها هیچ اجباری به پرداخت ندارند و اگر مدرسه‌ای شهریه را اجبار کرد، باید خانواده‌ها ثبت شکایت کنند یا حضوری به آموزش‌وپرورش منطقه بروند.»

فرهادی در پاسخ به رفتار نامناسب مدیران در مناطق حاشیه‌ای با خانواده‌ها و مددکاران می‌گوید: «ما در کل کشور بیش از ۱۱۸ هزار مدرسه دولتی داریم. از این تعداد مطمئن‌ام درصد بسیار اندکی چنین رفتارهایی دارند. ۱۶ میلیون دانش‌آموز در این مدارس ثبت‌نام می‌شوند و ممکن است در تعداد کمی از مدارس رفتار نامناسب را داشته باشیم و برای حل این موارد والدین باید در سامانه ثبت شکایت کنند یا مراجعه حضوری داشته باشند. ما در خدمت‌رسانی تعارف نداریم و اگر شکایتی شود، حتماً بازرسان ما رسیدگی می‌کنند.» به‌گفته‌او، بر خلاف گذشته، اتباع مجاز برای تحصیل باید هزینه پرداخت کنند. «تمامی دانش‌آموزانی که اتباع مجاز هستند، ثبت‌نام شده‌اند؛ مگر اینکه خودشان مراجعه نکرده باشند. اما برای غیرمجازها مجوز ثبت‌نام نداریم؛ درحالی‌که سال‌های گذشته داشیم.»

هرچند سختگوی آموزش‌وپرورش می‌گوید دریافت هزینه مدارس دولتی غیرقانونی است و با شکایت می‌توانند به تخلفات رسیدگی کنند، اما در عمل چنین اتفاقی نینفاده. بارها انجمن‌ها و خانواده‌ها از وضعیت شکایت‌کرده و نتیجه‌ای نگرفته‌اند و حالا فعالان حوزه کودک نگران وضعیت این‌ان ترک تحصیل گسترده هستند. این وضعیت درحالی‌است که براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «بررسی روند ترک تحصیل و بازماندگی از تحصیل در آموزش‌وپرورش (سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰)» بیش از ۹۱۱،۱۲۲ کودک لازم‌التعلیم در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ فراری هستند و آموزش‌وپرورش برای جذبشان باید فضای مناسبی تعریف کند. مدارس را توسعه دهد، تعداد بچه‌ها را در کلاس‌ها کم کند، معلمان تراز بالا را به این مناطق بیاورد؛ البته اگر ثبت آموزش‌وپرورش جلوگیری از ترک تحصیل بچه‌هاست. اما در عمل رویه دیگری درحالی‌است.»

به‌گفته‌او، در شرایطی که سرانه دانش‌آموزی در کشور به‌اندازه پول یک پفک هم نیست، آموزش‌وپرورش اصطلاح عجیب «خودگردان» را برای مدارس به کار برده و نمی‌گویند که خودگردانی مدارس به چه قیمتی؟ «اختیار کامل به مدیران مدارس داده شده، اما منطقه ما متفاوت است. شدت ترک تحصیل در این مناطق بالاست و وقتی هزینه ۱۰ میلیون تومانی

یادداشت

دریافت شهریه بالا مساوی با ترک تحصیل در حاشیه شهر



افخم صباغ |

عضو هیئت‌مدیره موسسه مهر و ماه |

ما در منطقه فرحزاد با تعطیلی مدارس روبه‌رو نشدیم، چراکه در این منطقه تنها ۲۰ درصد از ساکنان، از اتباع هستند. اما از مدرسه جا ماندن دانش‌آموزان به‌دلیل هزینه‌های تحصیل، اتفاقی است که چند سال اخیر بیش از گذشته گریبان کودکان را گرفته. هرچند با کمک‌های خیرین توانسته‌ایم هزینه‌های تحصیلی تعدادی از کودکان را تأمین کنیم تا جلوی ترک تحصیل آنها گرفته شود، اما این فقط شامل حال تعدادی از کودکان است؛ درصورتی‌که تعداد کودکانی که توان پرداخت شهریه‌های سنگین را ندارند، بسیار بیشتر از توان ماست. هزینه‌ها امسال بسیار بیشتر از گذشته بود و این نگرانی وجود دارد که با این شرایط آیا خانواده‌ها امکان ادامه تحصیل برای فرزندان‌شان قائل می‌شوند؟ درحال‌حاضر پیش‌دستانی اجباری شده، اما برخلاف اصل ۳۰ قانون اساسی که آموزش کودکان تا پایان دوره متوسطه رایگان است، پیش‌دستانی در مدارس دولتی رایگان نیست و حداقل شهریه مدارس دولتی چهار میلیون تومان در ماه است. با توجه به میزان بودجه آموزش‌وپرورش که بسیار پایین است، مدیران مدارس را مجبور می‌کنند که خود از محل کمک‌های مردمی هزینه‌های مدارس را تأمین کنند و این منجر به دریافت شهریه‌های سنگین از والدین برای ثبت‌نام کودکان‌شان می‌شود. این ارقام در مناطق حاشیه‌ای شهر و با وضعیت اقتصادی فعلی ارقام بسیار بالایی است. این درحالی‌است که سطح آموزش در مدارس دولتی بسیار پایین است و سال گذشته به‌دلیل مختلف میزان تعطیلی مدارس بسیار بالا بود. تعطیلی در مناطق حاشیه‌ای که بچه‌ها قدرت دسترسی به گوشی موبایل یا لپ‌تاپ ندارند، یعنی جدایی از تحصیل و سال گذشته این دوری از مدرسه را به‌وضوح در آنها دیدیم. دریافت شهریه‌های ۱۰ میلیون تومانی برای اغلب بچه‌های ساکن در حاشیه یا خانواده‌های کم‌درآمد به‌معنای ترک تحصیل آنهاست و این نگرانی وجود دارد که امسال آمار ترک تحصیل‌ها به‌دلیل سختگیری مدارس در زمان ثبت‌نام بالا رود. وضعیت برای کودکان اتباع سخت‌تر است. ما در سال گذشته ۲۲۰ کودک افغانستانی را در مجموعه خودمان آموزش دادیم؛ چراکه هیچ مدرسه‌ای آنها را ثبت‌نام نمی‌کرد. ما و سایر انجمن‌ها در سال‌های اخیر بارها به وزیر آموزش‌وپرورش و نهادهای مسئول نامه نوشته و شرایط را شرح داده‌ایم، اما متأسفانه تغییری در رویه آنها دیده نمی‌شود. این شرایط می‌تواند زنگ خطر بزرگی خصوصاً برای نوجوانان دختر باشد، چراکه هزینه‌های تحصیل متوسطه بالاتر است و اغلب خانواده‌ها در این شرایط ابتدا آنها را از تحصیل بازمی‌دارند. شرایطی ناخواسته برای این دختران که آینده‌شان را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار خواهد داد. هرچند وضعیت برای پسران هم بهتر نیست و بازماندن آنها از تحصیل یعنی بازگشت به چرخه کار اجباری و بسیاری دیگر از مشکلاتی که این طیف از کودکان در آینده با آن روبه‌رو خواهند شد. در این شرایط، ما همچنان برای دسترسی همه کودکان به آموزش با کیفیت تلاش خواهیم کرد؛ چراکه تحصیل حق مسلم همه کودکان است.

خزارش

از «مهاجرت» تا «پیوند تمدنی»

ضرورت تغییر پارادایم در نگاه به افغانستانی‌های مقیم ایران

«ایپام ما» هجدهمین نشست تخصصی انجمن راحل با موضوع «مهاجرین افغانستانی و آینده پیوندهای تمدنی ایران و افغانستان» عصر روز شنبه، ۲۵ شهریور ۱۴۰۴، در خانه اندیشم‌ورزان تهران برگزار شد. در این نشست، «محمد‌هادی همایون»، استاد دانشگاه امام صادق و معاون علوم آسانی و هنر دانشگاه آزاد، با نقد مفهوم «مهاجرت»، حضور افغانستانی‌ها در ایران را فریاندی برای «یکی شدن دو پاره از یک ملت و تمدن مشترک» دانست. او در تحلیل خود، روایت رایج از حضور افغانستانی‌ها به‌مثابه «مهاجر» را یک «ساختار مفهومی غلط» و ناشی از پذیرش پارادایم «دولت-ملت» مدرن دانست و استدلال کرد که این رابطه را باید ذیل گفت‌مان «اتحاد مجدد اجزای یک پیکیکه تمدنی واحد» بازتعریف کرد و بر لزوم زدودن نگاه امنیتی-کارگری به یک نگاه تمدنی راجع‌افزاینی تأکید کرد. در آغاز نشست «رحم‌طلایی»، دبیر کارگروه اجتماعی-سیاسی انجمن راحل، در جایگاه دبیر این نشست با اشاره به تفاوت محوری این نشست با نشست‌های پیشین انجمن راحل، هدف از برگزاری آن را واکاوی مسئله از منظر «فرصت تمدنی» به‌جای «چالش مدیریتی» عنوان کرد. محمد‌هادی همایون، استاد دانشگاه و پژوهشگر حوزه تمدن، سخنرانی اصلی خود را با این گزاره بنیادین آغاز کرد که: «بهنظر من اساساً موضوعی بنام مهاجرت درباره افغانستانی‌ها منتفی است. مسئله، نزدیک شدن دو ملتی است که دو پاره شده‌اند و دوباره دارند به یکدیگر نزدیک و یکی می‌شوند» او با تشریح تاریخ مشترک عمیق دو کشور در بستر تمدن اسلامی، که در آن مرزهای امروزی معنای خود را از دست می‌دهد، توضیح داد که نگاه حاکمیت‌های مدرن براساس «دولت-ملت» باعث ایجاد مفهوم کاذب «بیگانه» شده است. همایون با اشاره به پیوند ناگسستنی مردم دو کشور در رویدادهایی چون انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و دفاع از حرم، این همراهی را نشانه‌ای آشکار از یگانگی تمدنی دانست و تصریح کرد: «اتفاقی که در مورد افغانستان افتاد و متأسفانه فیمش دچار کج‌فهمی شد، این بود که این پیوند مردمی، مفهوم‌پردازی اشتباه شد و از افغانستانی‌ها به مهاجرین، جنگ‌زدگان، آوارگان یا پناهندگان تعبیر و تلقی شد درحالی‌که ما اگر عمیقاً تمدنی و فرهنگی که نگاه کنیم، می‌بینیم یک امت بوده‌ایم که چند پاره شده‌ایم. حال هم به‌بسمت یکی‌شدن هستیم.» در پایان این نشست، پرسش و پاسخی پربرار بین دکتر همایون و حضار متشکل از دانشجویان و فرهیختگان ایرانی و افغانستانی صورت گرفت.

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو خورود سواری: سواری:سیسمن؛ سایپاندب: تیا به رنگ سفید-روغنی مدل: ۱۴۰۰ شماره موتور: M15/9353749 شماره شاسی:NAS811100M5771038 به شماره پلاک: ۵۷ ط۱۹۶ پ۱۹۹۰۰ نام: عالیه محمدی مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد. شهرباک

آگهی مفقودی

سند کمیاتی یک دستگاه ماشین الات لوادر مدل بکپو ستو پارس SP100 مدل ۱۳۸۸ به شماره شاسی G14607 و شماره موتور MT2W439T به رنگ زرد بنام جواد پزندی احمدیادبی به شماره ملی ۳۰۹۱۵۴۹۴۰ مفقود گردیده و در درجه اعتبار ساقط است. زرنذ



از چپ: سید علی شوری، محمد الموتی، سید علی جهری

۱

امتیازدهی ویژه به گروه‌های جهادی، باعث تضعیف سازمان‌های مردم‌نهاد می‌شود

سرمایه اجتماعی روی مین رانت

دبیر شبکه شکل‌های محیط‌زیست و منابع‌طبیعی کشور: در کدام کشور دنیا، دولت یک گروه خاص از جامعه مدنی را جدا کرده برایش تعریف مستقل نوشته و امتیاز ویژه قائل شده است؟

«بند «ج» ماده ۵ برنامه هفتم توسعه یک بمب اجتماعی است؛ بمبی که انسجام اجتماعی را از بین می‌برد، سرمایه اجتماعی را فرایش می‌دهد و تبعیض و بدبینی را میان مردم تقویت می‌کند.» این توصیف «محمد الموتی»، دبیر شبکه تشکل‌های محیط‌زیست و منابع‌طبیعی، از این قانون است. تنها او نیست که نسبت به آنچه دولت سیزدهم برای تعریف جدید تشکل‌های مردم‌نهاد، در قالب برنامه توسعه تدارک دید و نمایندگان مجلس هم آن تصویب کردند، نگران است. «امید سجادیان»، عضو شورای همانگی شبکه محیط‌زیست کشور، نیز می‌گوید: «یکی از آسیب‌های بند «ج» ماده ۵ قانون برنامه هفتم توسعه، ایجاد تشکل‌های صوری برای گرفتن پروژه‌ها است، درحالی‌که سازمان‌های مردم‌نهاد مستقل زیر انواع فشارها خم شده‌اند.» ماده پنجم برنامه هفتم توسعه در حالی به اجرا درآمده که نخستین اردوی شوری‌عالی جهادی محیط‌زیست در اردبیل تشکیل شد. در جلسه‌ای به همین منظور اساتید دانشگاه‌های عضو شورای‌عالی جهادی محیط‌زیست به بیان راهکارهای مدیریت‌مسئند و اثرزی تجدیدپذیر پرداختند. مشاور امور زنان و خانواده رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست هم اعلام کرد: «در بحث حفاظت از محیط‌زیست از حضور و توانمندی‌های بانوان در کنار بنیاد جهادی مهرالرضا(ع) و شورای‌عالی جهادی محیط‌زیست کشور بیشتر استفاده شود و دغدغه‌های آنها را بیشتر بشنوم تا شاهد زیبایی‌های حضورشان در این عرصه باشیم.» رصد تشکل‌های مردم‌نهاد نشان می‌دهد اعضای این تشکل‌ها در چند سال گذشته سرآغ دو گزینه رفته‌اند؛ مهاجرت و خروج از فعالیت‌های مردم‌نهاد. پرسش اینجاست که گروه‌های جهادی در حوزه محیط‌زیست قرار است چه کاری انجام دهند؟ آیا آنها جایگزین تشکل‌ها می‌شوند؟ تکلیف کارشناسان و کنشگران مستقل چه می‌شود؟



فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

قانون برنامه هفتم توسعه که از سال ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۷ لازم‌الاجرا است، در ماده ۵ به «مردمی‌سازی اقتصاد» پرداخته و طی شش بند تکلیفی را برای دولت مشخص کرده است. در بند «ج» این ماده از قانون آمده: «در راستای مردمی‌سازی اقتصاد، دولت مکلف است با استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی و تعاونی، گروه‌های جهادی که مجوز آنها توسط سازمان بسیج مستضعفین یا از طریق مراجع ذی‌صلاح قانونی یا نهادهای انقلابی یا سازمان بسیج سازندگی یا تأیید و هماهنگی سازمان بسیج مستضعفین صادر می‌شود، سازمان‌های مردم‌نهاد و نیز با استفاده از ابزار بازار سرمایه، امکان مشارکت مردم را در فعالیت‌های اقتصادی و عمرانی از جمله توسعه روستایی، آبخیزداری و آبخوان‌داری، ساخت، بهره‌برداری و مدیریت مراکز بهداشتی-درمانی و اماکن ورزشی، فرهنگی و هنری، ساخت و بهره‌برداری طرح‌های خطوط آهن (پروژه‌های ریلی) و جاده‌ای، ساخت و تولید مسکن، طرح(پروژه‌های) شهری، خدمات بازگانی داخلی و خارجی، خدمات اجتماعی، خدمات فنی، مهندسی و فناوری ارتباطات و اطلاعات و نظایر آن با روش‌های خرید خدمات، واگذاری مدیریت، مشارکت عمومی-خصوصی، اجاره، بهره‌برداری و نیز سایر روش‌های مندرج در قوانین دائمی فراهم نماید، به‌نحوی که سالانه بخشی از تصدی‌های دستگاه‌های مسئول انجام وظایف فوق‌الذکر کاهش یابد. سازمان مکلف است آیین‌نامه مربوط را تنظیم نماید و به تصویب هیئت وزیران برساند.»

این تکلیف قانونی، پرسش‌های متعددی را در ذهن کارشناسان و کنشگران اجتماعی برجسته‌کرده؛ یکی از این پرسش‌ها این است که چرا باید برای گروهی خاص، عنوان و امتیاز ویژه قائل شد؟ پرسش دیگر تاآکید دارد قرار است چه امتیازی به آنها داده شود که از دیگر شهروندان دریغ می‌شود؟

سجادیان می‌گوید: «ماده ۵ بند «ج» برنامه هفتم توسعه با هدف مردمی‌سازی اقتصاد و استفاده از ظرفیت تعاونی‌ها و گروه‌های جهادی تدوین شده، اما مثل ماجرای خصولتی کردن شرکت‌هاست، یعنی گروه هدف سازمان‌های دیگری است، ولی اسم سازمان‌های مردم‌نهاد هم آمده؛ البته در انتها ای‌سامی. به همین دلیل، همه‌چیز بنام سازمان‌های مردم‌نهاد تمام، اما عملاً بنفع دیگران اجرا می‌شود.»

براساس این بند از قانون برنامه توسعه، «گروه‌های جهادی» بطور جداگانه برجسته شدند؛ درحالی‌که آنها پیش‌تر در قالب تشکل‌های مردم‌نهاد عمران و آبادانی در وزارت کشور تعریف شده بودند.

کتاب‌ریزان‌زدایی را راسازی و آب‌رسانی

فروردین امسال بسیج سازندگی سپاه حضرت ولیعصر(عج) خوزستان با همکاری شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب، منابع‌طبیعی و محیط‌زیست، پروژه بیابان‌زدایی و کاشت نهال در کانون شماره ۴ ریزگردهای استان را آغاز کرد. براساس خبری که ۲۳ فروردین در خبرگزاری دفاع مقدس منتشر شد، سرهنگ پاسدار «سید اسلام موسوی»، مسئول بسیج سازندگی سپاه حضرت ولیعصر(عج) خوزستان، اعلام کرد ۲۰۰ هکتار از این عرصه‌های بیابانی زیر کشت رفته و هدف نهایی، احیای سه هزار هکتار از اراضی بیابانی است. به‌گفته او، در کنار بیابان‌زدایی موضوعات محرومیت‌زدایی، آب‌رسانی و راسازی نیز پیگیری می‌شود تا

بهبود شرایط زندگی مردم منطقه نیز در دست‌وکار قرار گیرد. البته چنین فعالیت‌هایی از سوی بسیج سازندگی، سابقه طولانی دارد. برای نمونه در ۱۵ مرداد ۱۳۹۷ «احمد خدادادیبی»، معاون عمرانی وقت سازمان بسیج سازندگی استان قزوین، درگفت‌وگو با تسنیم به اجرای بیش از ۲۰۰ پروژه عمرانی، دو هزار و ۴۰۰ هکتار بیابان‌زدایی به‌عنوان برنامه‌های این سازمان در سال ۱۳۹۶ اشاره کرد. دوم دی همان سال رئیس بسیج سازندگی استان اصفهان با بیان اینکه رتبه نخست کشوری در امر بیابان‌زدایی به اصفهان تعلق دارد، به تسنیم گفت: «تاکنون ۱۲ هزار هکتار از بیابان‌های اصفهان در پنج منطقه بیابان‌زدایی و بیش از دو میلیون و ۲۰۰ هزار اصل نهال کاشته شده است.»

کتابتکنه‌کردن مردم و ایجاد امتیازات ویژه

الموتی، دبیر شبکه تشکل‌های محیط‌زیست و منابع‌طبیعی کشور، مسئله اصلی در حوزه اجتماعی کشور را به یک اشکال ساختاری یعنی تعدد مراجع صدور مجوز برای فعالیت‌های اجتماعی مرتبط می‌داند. «در اغلب کشورهای دنیا سازوکار قانونی آغاز فعالیت اجتماعی بسیار ساده، شفاف و عمدتاً ذیل دو قانون مشخص تعریف شده؛ یکی قانون مبارزه با پولشویی و دیگری قانون مقابله با تأمین مالی تروریسم.»

به‌گفته او، در برخی کشورها، مجوز فعالیت برای هر کنش داوطلبانه‌ای، به‌راحتی صادر می‌شود و فقط برای نهادهایی که فعالیت مالی دارند و مبتنی‌بر پروژه شکل گرفته‌اند و یا برای تشکل‌های خیریه، الزام ثبت شخصیت حقوقی هم وجود دارد تا پرونده مالیاتی داشته باشند. به‌این‌ترتیب، مجوز پیشینی وجود ندارد و کافی است تشکل‌ها فعالیت خود را اعلام کنند و تحت نظارت باشند. «در کشور ما این‌گونه نیست، هر دستگاهی برای تعامل با بخشی از مردم، مقررات و سازوکار خاص خودش را گذاشته که نتیجه این وضعیبت، شکل‌گیری یکی از رانت‌های بزرگ حکمرانی اجتماعی است؛ نبود یکپارچگی و فکر و راهبرد واحد، پراکندگی مدیریتی، واگرایی، موازی‌کاری و اتلاف گسترده منابع.»

تا سال ۱۳۹۷، تشکل‌های غیردولتی براساس مواد ۵۸۴ و ۵۸۵ قانون تجارت می‌توانستند شخصیت حقوقی ثبت کنند و درصورت نیاز، برای فعالیت خاصی مجوز بگیرند. اما از سال ۱۳۹۷، طبق برنامه سوم توسعه، تولی‌گری حوزه NGOها به وزارت کشور واگذار و به‌گفته الموتی، مشکلات از این نقطه آغاز شد. «به‌جای تسهیل امور، یک نظام مجوز پیشینی شکل گرفت. هم‌زمان سازمان ملی جوانان نیز برای جوانان مجوز صادر می‌کرد و این‌هم یکی دیگر از بزرگ‌ترین خطاهای سیاستگذاری در سه دهه اخیر شد که با تعیین سن جوانی به‌عنوان پیش‌شرط تأسیس تشکل، عملاً شفاف بین‌نسلی و جدایی بین کنشگران را دامن زد. در ادامه، دستگاه‌های دیگری هم وارد شدند؛ نیروی انتظامی و سازمان بهزیستی هم که از قبل، در این زمینه عاملیت داشتند. اما در قوانین و مقررات، مدام به این تعدد مرجع صدور مجوز، فضا داده شد. ستاد امربمعروف و نهی‌زمنکر، سازمان منابع‌طبیعی و محیط‌زیست (طبق ماده ۲۹ قانون احکام دائمی توسعه)، سازمان بسیج مستضعفین و…» در سال ۱۳۹۵ برای هماهنگی این نهادها، شورایی در وزارت کشور پیش‌بینی شد، اما باز هم برخی دستگاه‌ها مانند بسیج عضو آن نشدند و پراکندگی همچنان باقی ماند.

وقتی قرار است در یک منطقه بصورت تخصصی کار کنید، هزینه رفت‌وآمد، تسهیلگری، اجرای برنامه‌ها و… باید تأمین شود. البته این مسئله کاملاً با تشکل‌هایی که صرفاً برای برخورداری از منابع مالی ایجاد شده‌اند، متفاوت است. چنین تشکل‌هایی نه سیستم جذب عضو دارند، نه وظایفشان مشخص است، نه چشم‌انداز و هدف دارند و نه حتی ساختاریک سازمان مردم‌نهاد را می‌شناسند. آنها مثل شرکت‌های پیمانکاری در موضوعات مختلف تأسیس می‌شوند.»

به‌گفته او، برخی از این تشکل‌ها در خوش‌بینانه‌ترین حالت «احساس مسئولیت» کرده‌اند. اما در حوزه سیاستگذاری، حفاظت مشارکتی و… صرف علاقه کافی نیست؛ باید هدف‌گذاری مشخص باشد. هدف مشخص می‌کند مسیر گروه به چه سمتی است. اگر هدف یک موضوع تخصصی است، باید برنامه کوتاهمدت و بلندمدت، سیستم جذب اعضا و منابع مالی شفاف داشت. این منابع می‌تواند از حق عضویت، ارائه خدمات، کمک‌های غیردولتی، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، کمک‌های بین‌المللی یا حتی منابع دولتی تأمین شود. اما تشکل متناسب با نوع فعالیت باید ابزار فنی، دانش و کارشناسان متخصص داشته باشد. «تشکل‌های تخصصی به‌دلیل گستردگی کار و چالش‌های موجود در محیط‌زیست، تنها به پروژه یا کار میدانی محدود نمی‌شوند. آنها مطالبه‌گری هم می‌کنند و همین باعث می‌شود با رفتارهای قهری مثل قطع منابع، بایکوت یا برحسب زدن مواجه شوند. درحالی‌که وظیفه تشکل تخصصی در کنار تمام فعالیت‌های تخصصی و میدانی، دقیقاً همین مطالبه‌گری و ورود آگاهانه به مسائل و سیاستگذاری‌هاست.»

مسئله پیمانکاری تشکل‌ها از نظر این کنشگر محیط‌زیست زمانی شروع شد که دولت و حاکمیت در سال‌های اخیر بخشی از کارهای خود را برون‌سپاری کردند. «هر سازمان براساس وظایف و اعتباراتش بخشی از فعالیت‌هایش را برون‌سپاری کرد، اما ازآنجا‌که شیوه درستی برای تزییق منابع وجود نداشت، این موضوع به مسئله تبدیل شد. نمونه‌اش هم جدیداً بند «ج» ماده ۵ برنامه هفتم توسعه. این ماده با هدف مردمی‌سازی اقتصاد و استفاده از ظرفیت تعاونی‌ها و گروه‌های جهادی تدوین شده، اما مشابه ماجرای خصولتی کردن شرکت‌هاست. گروه هدف این ماده دیگران هستند، ولی اسم سازمان‌های مردم‌نهاد هم در انتهای فهرست آمده و درنهایت به اسم آنها تمام می‌شود. سازمان مردم‌نهاد که نمی‌تواند جاده‌سازی کند؟ اصلاً در قانون چنین موردی برای آنها پیش‌بینی نشده است.»

کتابمشارکت مدنی، نمایش نمی‌شود

سجادیان ساکن استان کهگیلویهوبویرواحمد است. او بارها شاهد بوده وقتی اعتبار تخصصی می‌یابد، به‌جای آنکه درست توزیع و هزینه شود، منافع خاص ایجاد می‌کند و برخی افراد، حتی از بدنه دولت، شروع به تشکل‌سازی می‌کنند. در این حالت استقلال سایر تشکل‌ها تهدید می‌شود. درحالی‌که اگر منابع به‌درستی استفاده شود، توانمند شدن تشکل‌ها را به‌همراه خواهد داشت؛ زیرا سازمان‌های مردم‌نهاد پس از انجام کار، پول را وارد سبد مشارکتی می‌کنند تا بتوانند در پروژه‌های آتی از آن بهره بگیرند. مثلاً پروژکتور، ابزار آموزش، محل دفتر، وسایل کار، ابزاراطفای حریق را تهیه می‌کنند تا نیاز به دولت و مشکلات بعدی آن، یا یعنی مواجهه با انتظار نامعقول، نداشته باشند.» تشکل‌های محیط‌زیستی ماهیتی بلندمدت دارند، چراکه کنشگری محیط‌زیست در بستر اعتماد اجتماعی، حضور میدانی و ارتباط پایدار با جوامع محلی شکل می‌گیرد. چنین فرآیندی زمان‌بر است و نمی‌توان آن را با پروژه‌های مقطعی یا فعالیت‌های نمایشی جایگزین کرد. «تجربه سه‌سال‌ه اخیر نشان داده است ورود منابع مالی، چه در قالب حمایت‌های دولتی و چه در قالب مسئولیت اجتماعی، بدون سازوکار شفاف تخصیص، طرح مشخص، زمینساز بروز نوعی مافیای تشکل‌سازی شده. در این وضعیت، گروه‌های کوچک چندنفره با هدف جذب منافع مالی، اقدام به ثبت تشکل می‌کنند، بی آنکه پیشینه میدانی، سرمایه اجتماعی یا توان عملیاتی واقعی داشته باشند. این روند نغتنها انحراف منابع از مسیر اصلی حفاظت از محیط‌زیست را در پی دارد، بلکه موجب تضعیف اعتماد عمومی به نهادهای مدنی و کاهش کارآمدی جریان مطالبه‌گری می‌شود؛ زیست‌محیطی نیز بی‌شود.»

به‌گفته سجادیان، در ایران به‌جای تقویت بدنه مردمی و ایجاد شبکه پایدار از کنشگران محلی، شاهد رشد تشکل‌های صوری هستیم که بیش از آنکه به حل مسئله بپردازند، خود بخشش آن و حتی باعث فشار و رقابت برای حذف دیگران می‌شوند. «آمار تشکل‌ها در استان‌ها هم عجیب است؛ مثلاً در برخی استان‌ها چهار تا شش تشکل واقعاً فعال داریم، اما درآمرانرسمی، بین ۲۵ تا ۱۰۰ تشکل ثبت‌شده وجود دارد. بسیاری از آنها هیچ فعالیت اجرایی ندارند. در یکی از شهرستان‌های خراسان از موضوع تعریف پیگیری لابل آتش‌سوزی و پیشگیری از آن بودم. یکی از مدیران محیط‌زیست شهرستان گفت شش سال است می‌دانم علت آتش‌سوزی، تعارض دو طایفه است. سؤال اینجاست که وقتی شش سال است علت را می‌دانید، چرا حلتش نکرده‌اید؟ مهم‌تر اینکه، چرا از ظرفیت تشکل‌های مردمی برای میانجی‌گری و کاهش تعارضات بهره گرفته نشده؟ مدیران تنها به فکر اطفاء، آن‌هم بدون برنامه، هستند. مشکل دانستن علت نیست، بلکه ضعف در به‌کارگیری ابزارهای اجتماعی برای حل مسائل است. هنگامی که تشکل‌های مستقل به حاشیه رانده و تشکل‌های صوری در آمارها پررنگ می‌شوند، نظام مدیریتی از مهم‌ترین بازوی خود در حل تعارضات محلی و کاهش بحران‌های محیط‌زیستی محروم می‌ماند. متأسفانه حفاظت مشارکتی برای برخی مدیران قری‌رو کافی نگذرد است.»

یکی از آسیب‌های جدی در رابطه دولت با تشکل‌های محیط‌زیستی، از نظر این کنشگر محیط‌زیست، مشارکت‌دادن مشروط است. «سلاک همکاری، نه کارنامه و

توان تخصصی، بلکه وابستگی و پیوندهای غیررسمی است. تشکل‌هایی که می‌خواهند استقلال خود را حفظ کنند، گاه از چرخه مشارکت کنار گذاشته می‌شوند. ما دوره‌های زیادی را طی کردیم و برای اخذ صلاحیت برگزاری کارگاه‌های آموزشی در ساختار سازمان مدیریت برنامه، با هزینه شخصی گواهی صلاحیت تدریس را تهیه کردیم. بااین‌حال،

هنگام پیشنهاد رسمی برای سپردن فرایند آموزش، نخستین پرسش این بود که به کجا وصل هستید؟ معرف شما چیست؟ نه اینکه بپرسند چه کرده‌اید و چه رزومه‌ای دارید؟ حتی به ما گفته شد چون در برنامه‌های پاک‌سازی زباله شرکت نکرده‌اید، فعال محسوب نمی‌شوید. این معیارهای سطحی، توهین‌آمیز و گمراه‌کننده‌اند، مشارکت مدنی را به نمایش‌های نامدین تقلیل می‌دهند و قابلیت‌ها را نادیده می‌گیرند.»

نتیجه چنین رویکردی از نظر سجادیان دور شدن تشکل‌های حرفه‌ای و مستقل از میدان عمل، تقویت تشکل‌های وابسته با عمر کوتاه و اتلاف منابع عمومی است. «وقتی وصل‌بودن جای صلاحیت‌داشتن را می‌گیرد، کیفیت آموزش، اثرگذاری اجتماعی و اعتماد عمومی آسیب می‌بیند، درنهایت خود سازمان‌ها نیز از دسترسی به ظرفیت واقعی جامعه مدنی محروم می‌مانند. راه درست، استقرار معیارهای روشن و قابل‌ارزیابی برای همکاری برپایه رزومه، اثرسنجی و شایستگی و پرهیز از شاخص‌های نمادین و رانت‌زا است.»

تجربه استان‌های مختلف به‌گفته او، نشان می‌دهد مسئله محدود و یک منطقه نیست و الگوی مشابهی در سراسر کشور دیده می‌شود. «سازمان‌ها معمولاً تشکل‌های منتقد و مستقل را کنار می‌گذارند و به‌جای آن، ساختارهای موازی مانند قرارگاه‌ها، خانه محیط‌زیست یا شبکه‌هایی را که خود دولت ایجاد کرده است، تقویت می‌کنند. بااین‌حال، عملکرد و کارکرد واقعی این نهادها اغلب مبهم و نامشخص است.»

کتابخطای نابخشدونی انتخاب افراد کم‌تجربه

سجادیان می‌گوید مردم حاضر به مشارکت هستند و ظرفیت اجتماعی برای حل مسائل وجود دارد. اما وقتی یک تسهیلگر باتجربه نمی‌تواند با اداره‌کل در استان گفت‌وگو کند، چگونه می‌توان انتظار داشت مشکلات واقعی مردم و جوامع محلی با تعارضات حل شود؟ از چه راهی باید مشارکت مردم در فرایندها در مناطق در نظر گرفته شوند و حفاظت مشارکتی که شعار سازمان محیط‌زیست است، اجرایی شود؟ «این فاصله میان ظرفیت جامعه مدنی و انعطاف‌ناپذیری ساختارهای رسمی، نغتنها مانع مشارکت مؤثر می‌شود، بلکه اعتماد عمومی را نیز به‌شدت تضعیف می‌کند.»

از نظر این کنشگر محیط‌زیست، بخش بزرگی از مشکلات از انعطاف‌ناپذیری ساختارهای رسمی نشئت می‌گیرد. «مردم نغتنها نسبت به مناطق حفاظت‌شده، بلکه نسبت به سایر مناطق هم احساس تعلق ندارند؛ چون همه‌چیز را دولتی می‌دانند. وقتی نگذرد دولت از بالا به پایین باشد و مواردی سازمان‌های مردم‌نهادی که شکل داده‌اند، خود را دارای کل بدانند، نتیجه‌ای جز تعارض و بی‌اعتمادی ندارد. بارها دیده‌ایم مردم در آتش‌سوزی‌ها کمک کرده‌اند، اما با تسمخر مسئولان روبه‌رو شدند. در یکی از جلسات مدیر شهرستان وقتی در مورد افراد حرف می‌زدند، می‌گوید یک نفر در فلان‌جا کمک می‌کند و فعال است. درصورتی‌که حتی دقیقاً نمی‌داند طرف شغلتش چیست؟ حتی اسم او را نمی‌داند. این دیگر چه شکل مشارکتی است. چرا سازمان‌ها نسبت به آموزش کارمندان خود در حوزه مشارکت اقدامی نمی‌کنند؟ مشکل دیگر این است که در استان‌ها، مسئول دفتر مشارکت‌ها معمولاً فردی است که با قوانین آشنا نیست و گاه فرد کم‌تجربه‌ای بی اطلاع از این سمت منصوب می‌شود؛ معمولاً هم تلاشی نمی‌کنند با این حوزه آشنا شوند. گاه این سمت به افرادی بازنشسته یا بدون پیشینه مرتبط واگذار می‌شود که حتی تفاوت میان شرکت، تعاونی و سازمان مردم‌نهاد و تشکل‌های محلی را نمی‌دانند؛ نمی‌دانند برای جلب مشارکت باید با مردم گفت‌وگو کنند. چنین رویکردی، نغتنها ظرفیت مشارکت مردمی را تقویت نمی‌کند، بلکه کل رویه ضد مردم، ضد مشارکت و ایجادکننده اختلاف است!»

کتابکار کردیم، زحمت کشیدیم، ثمت شنیدیم

سیاستگذاری و اجرای برنامه‌ها در اختیار نهادهای دولتی است و تشکل‌های مهم و اقدامات، توسط دولت در مناطق اجرا می‌شود. همین موضوع به‌نظر سجادیان نشان می‌دهد نمی‌توان تصمیمات آنها را کوچک شمرد. «شوهه ورود به ادارات، کل نظده را به‌هم می‌ریزد، تعارض ایجاد می‌کند و وقت و انرژی زیادی برای رفع آنها گرفته می‌شود که شاید هم حل نشود؛ رفع بکنس، یک برنامه مشارکتی درست می‌تواند تغییر درست ایجاد کند.»

به‌گفته او، این روزها بسیاری از فعالان محیط‌زیست به فکر مهاجرت افتاده‌اند. «فشارها باعث شده به‌جای کار تخصصی، به‌دنبال شغل‌های دیگر برویم. چه کسی دوست دارد آواره سرزمین دیگری شود؟ و کاری که می‌تواند در وطن انجام دهد، جای دیگری انجام دهد؟ فعال مدنی شغل و درآمد ثابتی ندارد. حتی بیمه! کار در این حوزه زمان‌بر است و تلاش زیادی می‌خواهد.»

وضعیتی که سجادیان تریسم می‌کند، فراتر از استان کهگیلویهوبویرواحمد است. «مشکلات محیط‌زیستی و اجتماعی در همه‌جا به چشم می‌خورد. در استان شاهد ابرچالش‌های محیط‌زیستی نظیر نگاه بالا به پایین به

مردم، پروژه‌های سده‌سازی و صنایع آلاینده، زمین‌خواری، آتش‌سوزی، تعارضات در منطقه حفاظت‌شده، بیماری درختان، مسائل قومی، منطقه‌ای و سیاسی هستیم. بسیاری از ما که سال‌ها در این مسیر ایستادیم، امروز خسته‌ایم؛ نه از سختی کار میدانی بلکه از برخوردها و فشارهایی که به‌جای حمایت، ما را هدف قرار داده و برخوردهای قهری.»

سجادیان بارها به این فکر افتاده که از کشور یا دست‌کم از استان مهاجرت کند. «هیچ‌جا را به‌اندازه یاسوج دوست ندارم، اما فشارها هر روز سنگین‌تر می‌شوند. جست‌وجوی استاد زبان و آمادگی برای رفتن، نشانه‌ای از نرسنت است.

آقدر من و دوستانم آرزو دیده‌ایم که بارها اشکمان درآمده؛ چون برس اصول ایستادیم. می‌شود چشم بست، چیزی نگفت، مقاومتی نکرد، همه‌چیز را فدای مسائل شخصی کرد؛ آن وقت، هم تشویق می‌شویم، هم محسوب و هم نور چشمی. اما ارزش دارد؟! آیا نباید در کنار کار میدانی مطالبه‌گری کرد؟ سرزمین ما تاب بی‌اعتمادی را ندارد. نمی‌شود سرمایه اجتماعی را قربانی سیاست‌ها و رفتارهای غلط و… کرد. این پایداری هزینه دارد، اما متأسفانه از هیچ تخریب و تهمتی در حق ما کوتاهی نشده است.»

نوبت اول



سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اردبیل

در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی اصغر (عسگر)محمدی.

ردیف ۸- خانم سارا حسینی اصل فرزند عبدالله در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۶۰/۴۰ متر مربع پلاک ۱۶۸۴۵ فرعی از ۸۶ اصلی مفروز و مجزی شده از ۸۶ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی لطف اله ابراهیم زاده ملاباشی.

ردیف ۹- آقای بهمن و رامین و علی هر سه قبادی جمادی هر سه فرزند امین بطور بالسویه در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۲۲۴/۵۴ متر مربع پلاک ۱۶۸۴۶ فرعی از ۸۶ اصلی مفروز و مجزی شده از ۸۶ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی محرم ولی زاده.

ردیف ۱۰- آقای سعید چرائی فرزند مصطفی در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۸۲/۴۰ متر مربع پلاک ۱۶۸۴۷ فرعی از ۸۶ اصلی مفروز و مجزی شده از ۸۶ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی رشید شهباززاده.

ردیف ۱۱- آقای مهران نورمحمدی ملاباشی فرزند نورمحمد و فرمان نور محمدی ملاباشی فرزند اللهوریدی بطور بالسویه در ششدانگ یک باب چهار دیواری با اعیانی احداثی به مساحت ۳۸۲/۱۶ متر مربع پلاک ۱۶۸۴۸ فرعی از ۸۶ اصلی مفروز و مجزی شده از ۸۶ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی اللهوریدی (امیرخان) نورمحمدی ملاباشی.

ردیف ۱۲- آقای علی شهبازی ملاباشی فرزند فرامرز در ششدانگ یک باب خانه- مغازه به مساحت ۱۹۰/۳۵ متر مربع پلاک ۱۶۸۵۲ فرعی از ۸۶ اصلی مفروز و مجزی شده از ۸۶ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی فرامرز شهبازی ملاباشی.

ردیف ۱۳- آقای علی بهروز فرزند حمداله و نوشین شایقی فرزند صفر بطور بالسویه در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۹۷/۴۵ متر مربع پلاک ۱۶۸۵۳ فرعی از ۸۶ اصلی مفروز و مجزی شده از ۸۶ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی حکمعلی حمزه زاده ملاباشی.

ردیف ۱۴- خانم اسماعیل عیوضی قونسلکندی فرزند شکر در ششدانگ دو باب خانه به مساحت ۱۱۸/۰۵ و ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ فرعی از ۸۸ اصلی مفروز و مجزی شده از ۸۸ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی پداله گلمغانی زاده.

ردیف ۱۵- آقای مهدی بهراد فرزند علی قنبر در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۳۶ متر مربع پلاک ۸۹۳ فرعی از ۸۹ اصلی مفروز و مجزی شده از ۸۹ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی حاج علی اکبر زارع حقیقی.

ردیف ۱۶- آقای علی کریمی سقرلو فرزند خدایار در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۱۰۰ متر مربع پلاک ۹۰۱ فرعی از ۸۹ اصلی مفروز و مجزی شده از ۸۹ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی برات آزاد.

ردیف ۱۷- آقای بلوط صداقت جناقرد فرزند ابش در ششدانگ هفت قطعه

زمین مزروعی به مساحت ۳۲۹۶/۴۹ و ۳۹۸۴/۷۹ و ۴۹۲۲/۸۲ و ۴۹۲۷/۵۵ و ۱۸۳۸۵/۳۶ و ۶۱۲۷/۳۵ و ۲۱۲۹/۹۰ متر مربع پلاک ۱۱۲۶ و ۱۱۲۷ و ۱۱۲۸ و ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ و ۱۱۳۱ و ۱۱۳۲ فرعی از ۱۰۰ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۰۰ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی بلوط صداقت.

ردیف ۱۸- آقای کریم زمانی ثمرین فرزند محمد در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۱۳۹/۷۱ متر مربع پلاک ۱۱۵۳ فرعی از ۱۰۰ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۰۰ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی محمداقا زمانی.

ردیف ۱۹- آقای کریم زمانی ثمرین فرزند محمد در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۶۹۳/۶۷ متر مربع پلاک های ۱۶۷۷ فرعی از ۱۰۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۰۳ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی حسن حسنی ثمرین.

ردیف ۲۰- آقای نفی سلیمانی ثمرین فرزند علی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۲/۶۹ متر مربع پلاک های ۱۶۶۴ فرعی از ۱۰۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۰۳ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی علی سلیمانی ثمرین.

ردیف ۲۱- آقای سخاوت عظیمی ثمرین فرزند شاپور در ششدانگ چهار قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۱۴/۹۹ و ۴۱۶۱/۳۹ و ۱۴۲۸/۸۵ و ۱۴۲۸/۳۹ متر مربع پلاک ۱۸۳۹ و ۱۸۴۰ و ۱۸۴۱ و ۱۸۴۲ فرعی از ۱۰۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۰۳ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی شاپور عظیمی.

ردیف ۲۲- آقای شیر اصلان سلیمان پور ثمرین فرزند میرزاحسین در ششدانگ یک باب خانه / مغازه به مساحت ۲۳۵/۷۹ متر مربع پلاک ۱۹۳۲ فرعی از ۱۰۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۰۳ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی حاجی شیرزاد.

ردیف ۲۳- آقای امامعلی جطالی مغالو فرزند صمد در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۷۶۲/۳۰ متر مربع پلاک ۸۷۱ فرعی از ۱۰۵ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۰۵ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی فرزاد خیری سامیان

ردیف ۲۴- آقای میثم بقائی فرزند شاپور در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۴۳/۱۴ متر مربع پلاک ۹۵۸ فرعی از ۱۰۵ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۰۵ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی میثم بقائی.

ردیف ۲۵- آقای احد وهاب زاده آراسته فرزند محمود در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۵۱۳/۵۹ متر مربع پلاک ۳۸۹ فرعی از ۱۰۹ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۰۹ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی زین العابدین مرادی میرزی.

ردیف ۲۶- آقای رویا وهاب زاده آراسته فرزند محمود در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۰۰ متر مربع پلاک ۴۳۷ فرعی از ۱۰۹ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۰۹ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی محمود وهاب زاده آراسته.

ردیف ۲۷- آقای جعفر و یوسف و مهدی همگی عیوضی قونسلو کندی فرزند

شکریطور بالسویه در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۴۰۵۷/۹۴ متر مربع پلاک ۵۴۲ فرعی از ۱۱۲ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۱۲ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی ظهرا الهامی.

ردیف ۲۸- آقای علی سعادت فرزند عبدالله در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۰۶۸/۷۵ متر مربع پلاک های ۶۵۹۸ فرعی از ۱۱۵ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۱۵ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی عباسعلی وقار.

ردیف ۲۹- آقای سرهاد ذبیحی گندشمین فرزند پاشا در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۹۷/۸۷ متر مربع پلاک ۶۶۱۸ فرعی از ۱۱۵ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۱۵ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی یداله رحیمی صد و ده.

ردیف ۳۰- آقای عبدالله شاهمیری عیسی لو فرزند فتح آقا در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۱۹ متر مربع پلاک ۶۶۱۹ فرعی از ۱۱۵ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۱۵ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی صالح عقلمندی.

ردیف ۳۱- آقای صابر عظیمی کلخوران فرزند اشرف در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۱۲۵۰ متر مربع پلاک ۸۰۸۶ فرعی از ۱۱۹ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۱۹ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی اشرف عظیمی کلخوران.

ردیف ۳۲- آقای ایوب و اسماعیل هردو لطیفی کلخوران هردو فرزند ابراهیم بطور بالسویه در ششدانگ یک باب خانه-باغ به مساحت ۱۲۰۲ متر مربع پلاک ۸۷۷۷ فرعی از ۱۱۹ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۱۹ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی میر عیسی عاملی کلخوران.

ردیف ۳۳- آقای هوشنگ عباسعلی زاده فرزند ولی اله در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۱۲۲/۶۸ متر مربع پلاک ۸۷۷۸ فرعی از ۱۱۹ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۱۹ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی صاحبعلی تیشه.

ردیف ۳۴- آقای میلاد ممی زاده فرزند جهانبخش در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۳۰۶/۵۵ متر مربع پلاک ۸۷۷۹ فرعی از ۱۱۹ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۱۹ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی فرزاز بخشنده.

ردیف ۳۵- آقای لطفعلی فاتح لنگه بزم فرزند حسن در ششدانگ یک قطعه زمین مزور جهت ادغام به پلاک ۱۱۹/۲۰۳۰۰فرعی از ۴۵/۰۲ متر مربع پلاک ۸۷۸۴ فرعی از ۱۱۹ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۱۹/۵/۵ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی طالب اصلائیان.

ردیف ۳۶- آقای داود و بهمن هر دو بابلائی مقدم هردو فرزند بایرامعلی بطور بالسویه در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۷۳۴/۱۸ متر مربع پلاک ۲۰۹۹ فرعی از ۱۲۰ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۲۰ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی محمد بزرگر.

ردیف ۳۷- خانم عارفه و شفیقه و رقیفه و آقای علی و اسلام همگی صدیق انزابی همگی فرزند خالق در ششدانگ بیچهار قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۹۵۶/۹۵ و ۴۶۸۹/۴۵ و ۳۷۶۷/۷۵ و

۵۶۸۰/۱۴ متر مربع پلاک ۲۱۲۱ و ۲۱۲۲ و ۲۱۲۳ و ۲۱۲۴ فرعی از ۱۲۰ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۲۰ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی خالق صدیق انزابی-خانمها هرکدم یک هفتم و آقایان هرکدام دو هفتم از ششدانگ سهم دارند.

ردیف ۳۸- آقای حمید پیران فرزند اسلام در ششدانگ پنج قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۱۱۳/۷۳ و ۱۲۹۷۶/۳۳ و ۱۷۱۷/۴۶ و ۲۱۰۴/۰۴ و ۲۰۶۹/۴۳ متر مربع به ترتیب پلاک ۷۹۱ و ۷۹۲ و ۷۹۳ و ۸۳۵ و ۸۳۶ فرعی از ۱۲۴ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۲۴ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی دیوان خان پیران و اسلام پیران.

ردیف ۳۹- آقای عبدالله صفرزاده کرکرک فرزند سواد در ششدانگ پنج قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۸۲۷/۷۷ و ۴۰۴۶/۴۴ و ۱۱۲۳۵/۱۰ و ۹۱۹۵/۳۶ و ۶۰۵۳/۳۰ متر مربع پلاک های ۸۳۹ و ۸۴۰ و ۸۴۱ و ۸۴۲ فرعی از ۱۲۴ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۲۴ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی سواد صفرزاده.

ردیف ۴۰- آقای حیدر قربانی سلطان آبادی فرزند حبیب اله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۵۳۴۰/۰۹ متر مربع پلاک ۶۵۸۹ فرعی از ۱۲۷ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۲۷ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی حاجی کاظم زمانی.

ردیف ۴۱- آقای داود و بهمن هر دو بابلائی مقدم هر دو فرزند بایرامعلی در ششدانگ هشت قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۲۳۵/۹۴ و ۳۲۳۵/۳۷ و ۲۲۴۱۶/۳۸ و ۱۰۰۸۲/۵۹ و ۱۶۴۲۶/۸۳ و ۵۷۳۰/۲۳ و ۱۶۷۴۵/۵۵ و ۱۶۷۴۵/۵۵ متر مربع پلاک ۶۷۷۲ و ۶۷۷۳ و ۶۷۷۴ و ۶۷۷۵ فرعی از ۱۲۷ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۲۷ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی محمد حسین بابلی و قهرمان بابلی

و نوروز محمودی بابلائی و سعداله احمدی سلطان آباد و بلال هادی و بیوک آقا بابلائی مقدم .

ردیف ۴۲- آقای علی و رسول هردو یوسفی حسنعلی کندی هردو فرزند امین در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۶۵۵/۱۹ متر مربع پلاک ۱۴۸ فرعی از ۳۲۶ اصلی مفروز و مجزی شده از ۳۲۶ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی جبار نصرتی.

ردیف ۴۳- آقای محمد نظری ابریکوه فرزند شیریعلی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۴۶/۴۱ متر مربع پلاک ۵۳۱ فرعی از ۳۴۸ اصلی مفروز و مجزی شده از ۳۴۸ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی جانتعلی نظری.

ردیف ۴۴- خانم رقیه نظری ابریکوه فرزند شمسعلی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۵۶/۰۴ متر مربع پلاک ۶۱۹ فرعی از ۳۴۸ اصلی مفروز و مجزی شده از ۳۴۸ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی جانتعلی نظری.

ردیف ۴۵- خانم علی نظری ابریکوه فرزند شمسعلی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۴۴/۴۰ متر مربع پلاک ۶۲۰ فرعی از ۳۴۸ اصلی مفروز و مجزی شده از ۳۴۸ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی جانتعلی نظری.

ردیف ۴۶- خانم عالیه عبدلی کولانکوه فرزند نوشیروان در ششدانگ چهار قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۲۸۵/۰۳ و

۵۶۲۲/۶۸ و ۵۲۲۴/۱۳ و ۱۱۶۷۶/۰۷ متر مربع پلاک ۴۰۹ و ۴۲۲ و ۴۲۳ و ۴۲۴ فرعی از ۳۵۰ اصلی مفروز و مجزی شده از ۳۵۰ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی شاهمار عبدلی کولانکوه.

ردیف ۴۷- آقای اتابک مرادی کولانکوه فرزند علی ویردی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به ترتیب به مساحت های ۳۰۰۶۶/۵۷ و ۱۲۱۱۳/۷۳ و ۱۹۵۴/۵۲ متر مربع به ترتیب پلاک های ۱۴۷۵۱ و ۷۵۲ و ۷۵۳ فرعی از ۳۵۰ اصلی مفروز و مجزی شده از ۳۵۰ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی غلامحسین مرادی.

ردیف ۴۸- آقای ولی مرادی کولانکوه فرزند علی ویردی در ششدانگ سه قطعه زمین مزروعی به ترتیب به مساحت های ۳۶۰۵/۳۵ و ۶۳۷۱/۹۵ و ۶۰۶۱/۲۳ متر مربع به ترتیب پلاک های ۷۵۴ و ۷۵۵ و ۷۵۶ فرعی از ۳۵۰ اصلی مفروز و مجزی شده از ۳۵۰ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی غلامحسین مرادی.

ردیف ۴۹- آقای علی ویردی مرادی کولانکوه فرزند قاچاق در ششدانگ شانزده قطعه زمین مزروعی به ترتیب به مساحت های ۳۰۸/۹۸ و ۳۷۵۰/۸۶ و ۳۲۹۵/۳۰ و ۴۶۵۷/۸۳ و ۲۸۸۹/۵۱ و ۱۶۰۷/۸۴ و ۳۹۷۴/۶۳ و ۲۶۷۸/۹۹ و ۳۷۷۴/۳۲ و ۳۱۸۳/۰۳ و ۳۶۵۶/۷۲ و ۳۱۸۳/۰۳ متر مربع به ترتیب به پلاک های ۷۵۷ و ۷۵۸ و ۷۵۹ و ۷۶۰ و ۷۶۱ و ۷۶۲ و ۷۶۳ و ۷۶۴ و ۷۶۵ و ۷۶۶ و ۷۶۷ و ۷۶۸ و ۷۶۹ و ۷۷۰ و ۷۷۱ و ۷۷۲ فرعی از ۳۵۰ اصلی مفروز و مجزی شده از ۳۵۰ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی غلامحسین مرادی.

ردیف ۵۰- آقای علی ویردی مرادی کولانکوه فرزند قاچاق در ششدانگ ده قطعه زمین مزروعی به ترتیب به مساحت های ۲۴۴۰/۵۲ و ۴۴۴۵/۴۳ و ۶۶۰۶/۱۰ و ۱۱۵۰/۱۴ و ۱۷۷۲۵/۱۱ و ۴۵۶۵/۱۶ و ۷۴۱۹/۶۰ و ۸۷۶۴/۱۰ و ۲۱۸۸/۶۳ و ۴۰۹۲/۹۳ متر مربع پلاک ۷۷۳ و ۷۷۴ و ۷۷۵ و ۷۷۶ و ۷۷۷ و ۷۷۸ و ۷۷۹ و ۷۸۰ و ۷۸۱ و ۷۸۲ فرعی از ۳۵۰ اصلی مفروز و مجزی شده از ۳۵۰ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی غلامحسین مرادی.

ردیف ۵۱- آقای علی ویردی مرادی کولانکوه فرزند قاچاق در ششدانگ ده قطعه زمین مزروعی به ترتیب به مساحت های ۱۷۷۲۵/۱۱ و ۴۵۶۵/۱۶ و ۷۴۱۹/۶۰ و ۸۷۶۴/۱۰ و ۲۱۸۸/۶۳ و ۴۰۹۲/۹۳ و ۷۷۳ و ۷۷۴ و ۷۷۵ و ۷۷۶ و ۷۷۷ و ۷۷۸ و ۷۷۹ و ۷۸۰ و ۷۸۱ و ۷۸۲ فرعی از ۳۵۰ اصلی مفروز و مجزی شده از ۳۵۰ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی غلامحسین مرادی.

ردیف ۵۲- آقای علی ویردی مرادی کولانکوه فرزند قاچاق در ششدانگ ده قطعه زمین مزروعی به ترتیب به مساحت های ۱۷۷۲۵/۱۱ و ۴۵۶۵/۱۶ و ۷۴۱۹/۶۰ و ۸۷۶۴/۱۰ و ۲۱۸۸/۶۳ و ۴۰۹۲/۹۳ و ۷۷۳ و ۷۷۴ و ۷۷۵ و ۷۷۶ و ۷۷۷ و ۷۷۸ و ۷۷۹ و ۷۸۰ و ۷۸۱ و ۷۸۲ فرعی از ۳۵۰ اصلی مفروز و مجزی شده از ۳۵۰ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی غلامحسین مرادی.

آگهی اصلحی:
بخش سه:

ردیف ۱- آقای علی جاهدی دولق فرزند پاشا در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۳۴۴/۰۴ متر مربع پلاک های ۸۵۱ فرعی از ۸۹ اصلی مفروز و مجزی شده از ۸۹ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی غفار رسولی.

ردیف ۲- آقای زهرا اصلانی فرزند لطیف در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۳۴۴/۵۳ متر مربع پلاک ۸۵۲ فرعی از ۸۹ اصلی مفروز و مجزی شده از ۸۹ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی غفار رسولی.

تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۴۰۴/۰۶/۲۹
تاریخ انتشار نوبت دوم : یکشنبه ۱۴۰۴/۰۷/۱۳
فرستعلی عابدی
رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه دو
شهرستان اردبیل
شناسه آگهی: ۲۰۰۴۸۷۹
م الف: ۲۶

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک گیلان
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آییننامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۴/۰۱/۱۱-۱۴۰۴/۰۱/۱۱-۱۴۰۴/۰۱/۱۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت ملک صومعه سرا تصرفات مالگانه بلااعراض متقاضی آقای/خانم مریم خزائی پور فرزند ولی به شماره شناسنامه ۳۳۲۰ صادره از تهران در ششدانگ یک قطعه زمین صیفی کاری بمساحت ۳۰۰ مترمربع پلاک فرعی۲۵۵۱ از سنگ اصلی ۶ مفروز و مجزی شده از پلاک ۳۹ واقع در قریه عریان بخش ۲۲ گیلان محرز گردیده است
رحیم دحقان زاده محرز گردیده است
لذا بمنظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود چنانچه اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی بشرح مذکور اعتراض داشته باشد. می‌توانند از تاریخ اولین انتشار آگهی بمدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدین است و رسید در صورت اقتضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض مدت مذکور طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

یداله شهبازی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک شهرستان صومعه‌سرا
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳
شناسه آگهی: ۲۰۰۲۴۶۷ - م الف: ۹۱۰۲۱۶۱

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک گیلان
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آییننامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۴/۰۱/۱۱-۱۴۰۴/۰۱/۱۱-۱۴۰۴/۰۱/۱۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت ملک صومعه سرا تصرفات مالگانه بلااعراض متقاضی آقای بیزن نعمت خواه سه ساری فرزند محمعلی به شماره شناسنامه ۱۳۱۹ صادره از صومعه سرا در ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر یکباب منزل مسکونی بمساحت ۶۸۹/۷۹ متر مربع پلاک ۷۸ فرعی از ۹۱ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱ و ۱۳ واقع در قریه سه ساز بخش ۲۲ گیلان خریداری از نسق محرمعلی عصمت خواه محرز گردیده است
لذا بمنظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود چنانچه اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی بشرح مذکور اعتراض داشته باشد. می‌توانند از تاریخ اولین انتشار آگهی بمدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدین است و رسید در صورت اقتضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض مدت مذکور طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

یداله شهبازی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک شهرستان صومعه‌سرا
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳
شناسه آگهی: ۲۰۰۲۴۶۴ - م الف: ۹۱۰۲۱۵۱

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک گیلان
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آییننامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۴/۰۱/۱۱-۱۴۰۴/۰۱/۱۱-۱۴۰۴/۰۱/۱۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت ملک صومعه سرا تصرفات مالگانه بلااعراض متقاضی آقای بیزن نعمت خواه سه ساری فرزند محمعلی به شماره شناسنامه ۱۳۱۹ صادره از صومعه سرا در ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر یکباب منزل مسکونی بمساحت ۶۸۹/۷۹ متر مربع پلاک ۷۸ فرعی از ۹۱ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱ و ۱۳ واقع در قریه سه ساز بخش ۲۲ گیلان خریداری از نسق محرمعلی عصمت خواه محرز گردیده است
لذا بمنظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود چنانچه اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی بشرح مذکور اعتراض داشته باشد. می‌توانند از تاریخ اولین انتشار آگهی بمدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدین است و رسید در صورت اقتضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض مدت مذکور طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

یداله شهبازی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک شهرستان صومعه‌سرا
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳
شناسه آگهی: ۲۰۰۲۴۶۳ - م الف: ۹۱۰۲۱۵۰

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک گیلان
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آییننامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۴/۰۱/۱۱-۱۴۰۴/۰۱/۱۱-۱۴۰۴/۰۱/۱۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت ملک صومعه سرا تصرفات مالگانه بلااعراض متقاضی خدیجه رضائی کرین به شماره شناسنامه ۱۲۹۶ صادره صومعه سرا فرزند ذبیح الله ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر یکباب خانه به مساحت ۳۴۴/۴۲ متر مربع پلاک ۲۲۸۷ فرعی از ۴۱ اصلی و مجزی شده از پلاک ۱- در قریه نرگستان بخش ۲۵ گیلان از نسق ابراهیم پارسای صیابری محرز گردیده است
لذا بمنظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود چنانچه اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی بشرح مذکور اعتراض داشته باشد. می‌توانند از تاریخ اولین انتشار آگهی بمدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدین است و رسید در صورت اقتضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض مدت مذکور طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

یداله شهبازی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک شهرستان صومعه‌سرا
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳
شناسه آگهی: ۲۰۰۲۴۶۳ - م الف: ۹۱۰۲۱۵۰

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک گیلان
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آییننامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابررای شماره۱۴۰۴/۰۱/۱۱-۱۴۰۴/۰۱/۱۱-۱۴۰۴/۰۱/۱۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت ملک صومعه‌سرا تصرفات مالگانه بلااعراض متقاضی خانم مریم مرزگانی خوشدل فرزند کریم به شماره شناسنامه ۳۵۵ صادره از تهران در ششدانگ یک قطعه زمین باغی بمساحت ۱۲۴/۴۲ مترمربع پلاک ۱۱۷۹۴ فرعی ۴۲ از اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۵ واقع در قریه عریان بخش ۲۲ گیلان محرز گردیده است
لذا بمنظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود چنانچه اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی بشرح مذکور اعتراض داشته باشد. می‌توانند از تاریخ اولین انتشار آگهی بمدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدین است و رسید در صورت اقتضای مدت مذکور و

